

## اسلام آوردن ناپلئون بناپارت

۴ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۲۰:۰۳

در آن وقت بیشتر مردم مصر معتقد بودند که ناپلئون مسلمان شده است؛ او هم از این شایعه بدش نمی‌آمد و آن را تکذیب نمی‌نمود زیرا از آن اغراض سیاسی خود را تامین می‌نمود.

متن زیر مقاله‌ای است تحت عنوان «عقیده ناپلئون درباره اسلام» که درباره نگاه ناپلئون بناپارت، پادشاه فرانسه نسبت به آیین‌های آسمانی و بالاخص دین اسلام، در یکم آذر ۱۳۲۷ در شماره ۲۱۹ مجله آیین اسلام به چاپ رسیده است. متن زیر افزون بر اطلاعات تاریخی چند نکته مهم را دربر دارد که می‌تواند وضعیت سال‌های دهه ۲۰ ایران را نشان دهد.

در این مقاله، نویسنده تلاش دارد که کارآمدی و مقبولیت اسلام را در پرتو تایید یکی از شخصیت‌های مطرح تاریخی اثبات کند که در آن روزگار، امر رایجی بود. در رقابت با اندیشه‌ها و نظرات ضددینی جریان روشنفکری که می‌کوشید با علم کردن دانشمندان و مشاهیر غربی به تخطئه اسلام بپردازند، طرفداران مذهب هم از همین طریق به مقابله می‌پرداختند و با ذکر مزایای اسلام در زبان مشاهیر دیگر ممالک از اهمیت و فواید آیین خود می‌نوشتند. نکته قابل ذکر دیگر، صراحت نویسنده در رد سکولاریسم و تاکید بر مزایای «حکومت اسلامی» است که نشان می‌دهد روحیه بازگشت به خویشتن، حتی در ابعاد سیاسی و اجتماعی آن از همان اوان دهه ۲۰ و شاید قبل‌تر توجه اندیشمندان و مصلحان جامعه را به خود جلب کرده بود. متن مقاله را به نقل از هفته‌نامه آیین اسلام می‌خوانید:

«ناپلئون بناپارت راجع به ادیان آسمانی می‌گوید: «تمام ادیان خوب است ولی دین اسلام به عقل و مذاق بشر از همه نزدیک‌تر و قابل قبول‌تر است.» این شخص که یکی از رجال تاریخی عالم است تا وقتی به امپراتوری نرسیده بود نسبت به اسلام تمایل زیادی اظهار می‌داشت. ناپلئون یکی از فاتحین مصر است و پس از آنکه آن کشور را از امراء «ممالیک» گرفت، در حدود سه سال در آنجا بود و اساس بیداری مصر از او است. ناپلئون می‌خواست امپراتوری عظیم اسلامی را زنده کند و دوباره مسلمین را زیر پرچم واحدی درآورد. تاریخ گذشته و عظمت اسلام او را خیره کرده بود و به قراری که تواریخ نقل می‌کنند، قبل از آنکه حمله خود را به مصر

شروع کند راجع به اسلام مطالعات و تحقیقاتی کرده و به قوانین آن آشنا شده و فریفته آن احکام گردیده و اثر این علاقه در موقع قانون‌گذاری او ظاهر شده است؛ زیرا در آن قوانین از احکام شریعت اسلام زیاد استفاده کرده است.

در مصر با علماء مسلمین فوق‌العاده خوش‌رفتاری می‌کرد و مخصوصاً با رئیس جامع ازهر مراوده داشت. در خطاب‌های خود همیشه می‌گفت: «ما مسلمان‌ها» [یعنی خودش را با مسلمان‌ها به شمار می‌آورد و] در مراسلات و احکامی که صادر می‌کرد اغلب شهادتین را در صدر آن‌ها قرار می‌داد. در مجالس در هنگام مباحثه و گفتگو گاهی می‌گفت: «به پیغمبر صلوات بفرستید.» با روحانیون راجع به دین اسلام صحبت می‌کرد و خود را طرفدار آن قرار می‌داد تا جایی که این رفتارها موجب شد که شایعه اسلام آوردن این فرمانده در میان مصریان رواج یابد. آری در آن وقت بیشتر مردم مصر معتقد بودند که ناپلئون مسلمان شده است؛ او هم از این شایعه بدش نمی‌آمد و آن را تکذیب نمی‌نمود زیرا از آن اغراض سیاسی خود را تأمین می‌نمود.

مورخین آن عصر و عصور تالیه نیز تا حدی به این شایعات متأثر شده‌اند و از اقوال و شواهد زیادی ذکر کرده‌اند که دلالت بر اسلام آوردن ناپلئون بوده است اما حقیقت این است که ناپلئون هیچ‌گاه مسلمان نشده و در آن وقت که در مصر بود و هنوز خواب‌های شیرین امپراتوری فرانسه و تسلط بر اروپا را ندیده و آن خیالات در مغزش رخنه نکرده بود جنبه جاه‌طلبی او این خیال را برایش ایجاد کرد که شرق بی‌صاحب را تصاحب کند و امپراتوری پیر و فرتوت عثمانی را منقرض نماید و به جای آن یک امپراتوری عظیمی که تا سواحل خلیج فارس امتداد داشته باشد به وجود آورد و پایتخت آن را در قاهره قرار دهد و خودش به نام امپراتوری اسلام بر اریکه حکم تکیه زند و به فتوحات خود امتداد دهد و هندوستان را از انگلیسی‌ها انتزاع نماید.

این افکار را بارها با علماء مصر در میان نهاده بود و از آنها خواسته بود که به مسلمین امر کنند با او در این اقدام همراهی نمایند ولی روحانیون مصر این امر را به شرط اسلام آوردن ناپلئون و سربازان فرانسه قبول کردند و او نیز برای قبول این پیشنهاد یک

سال مهلت خواست اما در این مدت اوضاع تغییر کرد و ناپلئون مجبور به مراجعت به فرانسه گردید و در آنجا بخت با او یاری کرد و تاج و تخت فرانسه را به دست آورد و افکارش تغییر نمود و در عوض تشکیل امپراتوری اسلام نقشه تشکیل امپراتوری اروپا از دماغش سر زد و از آن وقت به بعد حتی در دوره‌ای که در تبعید به سر برده دیگر کسی افکاری شبیه افکاری که در مصر داشت از او ندیده است و با وجود این نمی‌شود انکار نمود که این فاتح عظیم توجه خاصی به اسلام داشته و به این دین احترام می‌گذارد و احکامش را برای بشر مفید می‌دانسته است.

توجه بزرگان عالم به این دین مقدس علی‌الخصوص توجه شخصی مانند ناپلئون که همه جهانیان حتی دشمنانش به نبوغش اعتراف دارند، بزرگترین دلیل عظمت این دین است. همه این‌ها اسلام را دینی دانسته‌اند که با عقل بشری سازگار است و دین و دنیا را تامین می‌کند و برای هدایت بشر و برقراری نظم و آرامش بهترین قوانینی را حاوی است. دینی است که مایه عمران و آبادی و سیاست عالم است و همان قدر که ناظر به امور معنوی و اخروی است از امور دنیوی بهره و نصیب دارد. حکومت اسلامی بهترین حکومتات و تمدن آن عالی‌ترین و مقدس‌ترین تمدن‌ها است. علوم اسلامی برای پرورش روح و تهذیب اخلاق مفیدترین علوم است و تمام این مزایا در دوران حکومت اسلامی ثابت شده است. تخلق به اخلاق اسلام سرچشمه سعادت و کامیابی است ولی مایه بسی تاسف است که امروز از تمام این مزایا خود را محروم کرده‌اند و در دره هولناکی از فساد و انحطاط افتاده‌اند.»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۰۹۵/اسلام-آوردن-ناپلئون-آوردن-اسلام>